

نگاهی به ملامت و ملامتیان گولپینارلی

محمدجواد شمس (پژوهشگر فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

ملامت و ملامتیان، تألیف عبدالباقی گولپینارلی^۱ - ترجمه دکتر توفیق ه. سبحانی، انتشارات روزنه، تهران ۱۳۷۸.

ملامتیان گروهی از صوفیان و عارفان بودند که، از قرن سوم هجری به بعد، به صورت طریقه‌ای متمایز از دیگر طریقت‌های عرفانی ظهور یافتند. به گفته هجویری (ص ۶۸)، «گروهی از مشایخ طریق ملامت سپرده‌اند و مر ملامت را اندر خلوص محبت تأثیری عظیم است و مشربی تمام، و اهل حق مخصوص‌اند به ملامت خلق از جمله عالم».

هم‌چنین جامی (ص ۶) ملامتیه را جماعتی دانسته که «در رعایت معنی اخلاص و محافظت قاعده صدق، غایت جهد مبذول دارند، در اخفای طاعات و کتم خیرات از نظر خلق مبالغت واجب دانند». قشیری (ص ۴۹-۵۰) در ذکر حمدون قضاار (وفات: ۲۷۰) آورده: «نیشابوری بود و مذهب ملامت از وی پراکنده شد به نیشابور».

هجویری (ص ۲۲۸) نیز حمدون قضاار را از «سادات این طریقت» خوانده و در بیان طریقت قضااریه آورده است: «تولّی قضااریان به ابی صالح حمدون بن احمد بن عماره القضاار کنند و وی از علمای بزرگ بوده است و سادات این طریقت. و طریقی وی اظهار و نشر ملامت بوده است».

به گفته گولپینارلی، ملامتیه پیش از حمدون نیز بوده‌اند و حمدون مروج طریقت آنان در نیشابور بوده است. از جمله شواهد آن که ابو حفص عمرو بن سلمه حدّاد نیشابوری

1) *Melāmīlik ve Melāmīler*, Abdülbākī Gölpınarlı

(وفات: بعد از ۲۶۰)، ملقب به شیخ ملامت است (جامی، ص ۵۶-۵۷؛ گولپینارلی، ص ۹). احمد بن خضرویه (وفات: ۲۴۰)؛ ابوتراب نخشبی (وفات: ۲۴۵)، پیر و مرشد حمدون قصّار، و ابراهیم ادهم (وفات: حدود ۱۶۱) و حاتم اصم (وفات: ۲۳۷) را نیز از جمله ملامتیان به شمار آورده‌اند. اما طریقت ملامتیه، بعدها، بیشتر به تبلیغ شاگردان ابوحفص حدّاد، از جمله ابوعثمان حیری (وفات: ۲۹۰) نشر و گسترش یافت. (گولپینارلی، ص ۱۰-۱۱)

در برخی از نخستین منابع عرفانی، طریقه اهل ملامت را مختص عارفان خراسان دانسته‌اند و میان طریقه اهل عراق و طریقه اهل خراسان تمایز قایل شده و نام «صوفی» را مختص عارفان عراق پنداشته‌اند. (پورجوادی، ص ۱۳ و ۱۴)

شاید نخستین منبع در دسترس که در آن از ملامتیه یاد شده البَدْءُ و التَّارِیخ (۳۵۵ هـ) مطهر بن طاهر مقدسی باشد. مقدسی ملامتیه را سرزنش کرده و گفته است: «دسته‌ای از ایشان اهل اباحه و اهمال‌اند هیچ از سرزنش سرزنشگران نگران نیستند». (مقدسی، ج ۴، ص ۸۳۱-۸۳۲؛ نیز ← پورجوادی، ص ۳)

از جمله نخستین صوفیانی که در آثار خود از ملامتیه و ملامتیان سخن به میان آورده‌اند مؤلفان زیر را باید نام برد:

– ابوسعید (یا ابوسعید) عبدالملک بن محمد بن ابراهیم خرگوشی نیشابوری (وفات: ۴۰۶ یا ۴۰۷) که در کتاب تهذیب الاسرار خود، ذیل عنوان «فی ذکر الملامتیه و صفاتهم و شعارهم و الفرق بین الصوفیه و بینهم فی الاقوال و الاحوال و الافعال و ما قیل فیهم»، از ملامتیان به تفصیل یاد کرده است. پورجوادی (۱۳۷۷) مفصلاً در این باره سخن گفته و قسمت‌هایی از آن اثر را نیز در ادامه تحقیقات خود به چاپ رسانده است.

– ابو عبدالرحمن محمد بن حسین سلمی ارباب علوم و احوال را به سه دسته تقسیم کرده است:

۱) علمای شریعت و فقها که، با استنباط رأی از ظواهر قرآن و حدیث، احکام شرعی و علوم ظاهری را استخراج می‌کنند.

۲) اهل معرفت و صوفیه، که به علم الهی ممتازند و تعلقی به اسباب دنیا ندارند، قلب‌هاشان تجلی‌گاه الهی است و به انواع کرامات آراسته‌اند.

۳) طبقه ملامتیه، که باطنشان به انواع کرامات از قبیل قرب و انس و اتصال به حق آراسته و معانی غیبی در سر ایشان متحقق گشته و چنان با حق یکی شده‌اند که دیگر جدا

نمی‌شوند. خداوند، پس از این اتصال، ماهیت آنان را پوشیده می‌دارد؛ فقط حال ظاهری آنان را، که افتراق از دنیا و انقیاد به شرع است، ظاهر می‌سازد. بدین نحو آنان در حالت جمع الجمع پنهان شده‌اند. (سلمی، ص ۴۰۲-۴۰۴؛ نیز ← پورجوادی، ص ۱۴؛ گولپینارلی، ص ۲۹) سلمی در دیگر آثار خود نیز به بحث درباره ملامتیه پرداخته است.

— علی بن عثمان بن علی هجویری (وفات: حدود ۴۶۵)، باب ششم کشف‌المحجوب را به بحث درباره ملامت و ملامتین اختصاص داده است. او نخست ملامت را ستوده، اما، بر خلاف سلمی، مرتبه ملامتین را فروتر از صوفیان دانسته و، در جایی دیگر، حتی به نکوهش طریق آنان پرداخته است:

اما به نزدیک من طلب ملامت عین ریا بود و ریا عین نفاق، از آنچه مُرائی راهی رود که خلق و را قبول کند و ملامتی به تکلف راهی رود که خلق و را رد کند و هر دو گروه اندر خلق مانده‌اند و از ایشان برون‌گذر ندارند. (ص ۷۵)

جامی نیز، در نفحات الانس (ص ۶-۷)، با نظر صاحب کشف‌المحجوب موافقت کرده است. — شیخ اکبر محیی‌الدین بن عربی (وفات: ۶۳۸) نیز در باب‌های ۲۳، ۳۰۹ فتوحات مکیه از ملامتیه و ملامتین سخن به میان آورده است. او نیز، مانند ابو عبدالرحمن سلمی، ضمن تقسیم رجال‌الله به سه گروه، ملامتین را در برترین جایگاه نشانده و گفته است:

رجال لا یزیدون علی الصلوات الخمس الا الرواتب لا یتمیّزون عن المؤمنین المؤدین فرائض الله بحالة زائدة یعرفون بها یمشون فی الاسواق و یتکلمون مع الناس لا یبصر احد من خلق الله واحداً منهم یتمیّزون عن العامة بشيء زائد من عمل مفروض او سنة معتادة فی العامة قد انفردوا مع الله راسخین لا یتزلزلون عن عبودیتهم مع الله طرفه عین... قد اعلمهم الله بالمواطن و ما تستحقه من الاعمال و الاحوال... فانهم عبید خالصون مخلصون لسیدهم... و هم ارفع الرجال. (ج ۳، ص ۴۴-۴۵؛ چاپ دارصادر بیروت، ج ۳، ص ۳۵)

آنان بر پنج وقت نماز جز سنت را نمی‌افزایند، و با حالتی ممتاز خود را از مؤمنان متمایز نمی‌کنند که با آن شناخته شوند... فقط در دل‌های خود از مردم جدا می‌شوند و با خدا هستند. ثابت قدم‌اند، حتی لحظه‌ای در عبودیت به پروردگار تزلزل نشان نمی‌دهند... خداوند آنان را بر همه مواطن و استحقاق هر عملی و حالی آگاه کرده است... آنان بی‌تردید بندگان خالص و مخلص خداوند هستند... و بلندمرتبه‌ترین مردان‌اند.

در بسیاری دیگر از آثار عرفانی نیز، از ملامتین سخن رفته است؛ از جمله در سوانح (ص ۷-۱۱) احمد غزالی (وفات: ۵۲۰)؛ عوارف المعارف (ص ۲۷-۳۰) ابوحفص شهاب‌الدین عمر سهروردی (وفات: ۶۳۲)؛ مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه (ص ۱۱۵-۱۱۶) عزالدین محمود

کاشانی (وفات: ۷۳۶)؛ تعریفات سید شریف جرجانی (وفات: ۸۱۶) و ابوالقاسم الجواهر (ج ۲، ص ۹۳) عبدالوهاب شعرانی (وفات: ۹۷۳). هم‌چنین سخنان بزرگان ملامتی در حلیه الاولیاء ابونعیم اصفهانی (وفات: ۴۳۰)، رساله قشیریه ابوالقاسم قشیری (وفات: ۴۶۵)؛ طبقات الصوفیه خواجه عبدالله انصاری (وفات: حدود ۴۸۰) و نیز تذکرة الاولیاء عطار (وفات: ۶۱۶) آمده است. (← پورجوادی، ص ۴-۵؛ گولپینارلی، ص ۲۳-۲۷)

برخی از پژوهشگران معاصر درباره این طریقه تحقیق کرده‌اند. مهم‌ترین این پژوهش‌ها عبارت‌اند از: مقدمه ابوالعلاء عفیفی بر رساله ملامتیه ابوعبدالرحمن سلمی؛ بحثی درباره «تاریخ ملامتیه» در فرهنگ اشعار حافظ تألیف احمدعلی رجائی بخارائی؛ بحث مختصری در شرح مثنوی شریف تألیف بدیع‌الزمان فروزانفر؛ مقاله «اهل ملامت و راه قلندر» عبدالحسین زرین‌کوب در یادنامه مرحوم استاد بدیع‌الزمان فروزانفر. (← پورجوادی، ص ۵-۶، پانوش ۶)

از این میان، مفصل‌ترین تحقیق به همت عبدالباقی گولپینارلی، دانشمند عرفان‌پژوه و مولوی‌شناس معاصر ترکیه، انجام گرفته که با عنوان ملامت و ملامتین به قلم دکتر توفیق ه. سبحانی به فارسی ترجمه شده است. مؤلف، در سه فصل مستقل و متمایز، سه دوره طریقت ملامتیه را بررسی کرده است. این بررسی، به ویژه در مورد دوره‌های دوم و سوم، حایز اهمیت است. در فصل نخست، با عنوان «لامتیه دوره نخستین» که مختصرترین بخش کتاب است، به اختصار از ملامتین قرن‌های سوم و چهارم سخن به میان آمده است. در این فصل، که خود شامل ۵ بخش است، از ابوصالح حمدون بن احمد بن قصار؛ ملامتین تا حدودی مقدم؛ سلسله طریقت حمدون و چهره‌های آیین ملامت پس از وی؛ دو تلقی متضاد صوفیه از ملامت و ملامتیه سخن رفته و مروری بر تاریخچه ملامتیه انجام گرفته است. مؤلف بیشتر بر سر تحقیق درباره ملامتیه دوره دوم و سوم درنگ کرده است.

فصل دوم، با عنوان «لامتیه» (یا ملامتیه) دوره دوم، مفصل‌ترین بخش کتاب است و به ملامتین بایرامیه اختصاص یافته است. این فصل با شرح حال مختصری از حاجی بایرام ولی (وفات: ۸۳۳) آغاز شده و پس از آن ذکر مریدان و خلفای وی آمده است. چنان‌که گولپینارلی اشاره می‌کند، ملامتیه بایرامیه، پس از وفات حاجی بایرام ولی، به همت شاگرد و خلیفه او امیر سکینی بروسوی، معروف به عمر دده (وفات: ۸۸۰)، به عنوان طریقتی از تصوف اسم و رسم یافت. پیر علی آق‌سرایلی (وفات: ۹۳۴ یا ۹۳۵)، که با یک

واسطه - از طریق بن‌یامین آیاشی - خلیفه عمر دده بود، ملامتیه را در آناتولی، استانبول و حوالی ادرنه گسترش داد. پس از او، پسرش، شیخ اسماعیل معشوقی معروف به اوغلان شیخ (وفات: ۹۳۵)، نیز نقش به‌سزایی در نشر این طریقه ایفا کرد. او نخستین شهید ملامتیه بایرامیه است که تأثیری شگرف بر ملامتیان پس از خود بر جای گذاشت. احمد ساریان (وفات: ۹۵۲)، از مریدان پیرعلی آق‌سرایلی، یکی از برجسته‌ترین صوفیان ملامتیه است که شاید بتوان او را مجدد این طریقه در قرن دهم هجری خواند. او، افزون بر نشر اندیشه‌های ملامتی، در تألیف آثار مروّج این طریقت نیز بسیار کوشید. تمایلات شیعی در اندیشه‌ها و سروده‌های او بیش از همه نمود و ظهور دارد و اعتقاد او درباره منجی موعود دقیقاً برگرفته از اعتقاد شیعیان است.

لامتیه در زمان حسام‌الدین آنقروی (وفات: ۹۶۴) خلیفه احمد ساریان، در روم ایلی نیز گسترش یافت و شیخ حمزه بالی بوشنوی (وفات: ۹۶۹) در بوسنه به نشر این طریقت پرداخت و، از آن پس، بوسنه به صورت مرکز دوم ملامتیه بایرامیه درآمد. پس از شیخ حمزه، حسن قبادوز بروسوی (وفات: ۱۰۱۰)، یکی دیگر از مریدان حسام‌الدین آنقروی، جانشین او شد و دو تن از برجسته‌ترین صوفیان این دوره - شیخ حسن عبدالله بوشنوی (وفات: ۱۰۵۴) و حسین لامکانی افندی (وفات: ۱۰۳۵) - در شمار مریدان وی بوده‌اند.

در میان مریدان حسین لامکانی افندی، اوغلان شیخ ابراهیم افندی، (وفات: ۱۰۶۵) نفوذ بسیار داشت. گولپینارلی به تفصیل از او یاد کرده و از اندیشه‌ها، اعتقادات و نیز سروده‌های او سخن به میان آورده است. پس از او، مریدش، صنع‌الله غیبی (وفات: پس از ۱۰۷۲)، از پیران شاخص این طریقه شد.

در زمان ادريس مختفی (وفات: ۱۰۲۴)، یکی دیگر از مریدان و خلفای حسن قبادوز، ملامتیه درخشان‌ترین دوره خود را گذراندند. گولپینارلی از عده‌ای دیگر از مشایخ ملامتیه بایرامیه نیز یاد کرده است.

طریقه ملامتیه بایرامیه در قرن ۱۲ هجری رو به افول نهاد؛ لیکن، حدود یک قرن بعد، در اواسط قرن ۱۳ هجری، به همت سید محمد نور العربی از نرونق گرفت. فصل سوم این کتاب به این دوره (دوره سوم) اختصاص یافته است.

گولپینارلی، ملامتیان این دوره را ملامتیه (یا ملامیه) نوریّه خوانده و گفته است که طریقت آنان بیش از آناتولی در روم ایلی و استانبول گسترش یافت، و در سلانیک، اسکوب، مناسترو حتی حوالی بوسنه نفوذ کرد.

سید محمد نور، در انتخاب این نواحی به عنوان مرکز فعالیت خود، ثابت کرده است که فکری صائب داشته است. در حقیقت، مردم این نواحی، به دلیل کشمکش‌های سیاسی و اجتماعی، تمایل بسیاری به تصوّف داشته‌اند. سید محمّد نور از سادات مصر بود و در سال ۱۲۲۸ در قصبه محله الکبری زاده شد و تحصیلات و نیز سلوک عرفانی خود را از جمله در مصر و آناتولی کسب کرد و سرانجام در اسکوب سکونت گزید. او در طریقت‌های نقشبندیه، خلوتیه شعبانیه، اکبریّه و اویسیّه وارد شد و ظاهراً به طریقت نقشبندیه گرایش بیشتری پیدا کرد.

گولپینارلی قسم اعظم این فصل را به شرح احوال سید محمّد نور و اندیشه‌ها و افکار او اختصاص داده است. به گفته وی، سید محمّد نور، بیش از همه، از افکار و آراء محیی‌الدین عربی تأثیر پذیرفته و برخی از آثار او را به زبان عربی شرح کرده است. او، هم‌چنین، از میر سید شریف جرجانی، بدرالدین سماوی (وفات: ۸۲۳) تأثیر پذیرفته است. گولپینارلی، در همین باب، دیدگاه‌های سید محمد را درباره آخرت و ملک و معاد، اراده و اختیار، حیات عیسی، قدم عالم و قیامت، وحدت وجود، حقیقت محمّدیّه، مراتب حقیّه و خلقیه، و دائرة الوجود بیان کرده است. مؤلف، در بحثی با عنوان «تشیع و سید محمد نور»، ضمن نقل مطالبی از آثار او درباره ائمه اطهار علیهم السّلام، به‌ویژه امیرالمؤمنین علی علیه السّلام، کوشیده است تا عقاید او را به تشیع نزدیک سازد. او بر آن است که سید محمد نور آثار و کتب شیعی را خوانده، از جمله با تفسیر صافی آشنا بوده است. مؤلف هم‌چنین اعتقاد سید محمد را درباره امام زمان (عج) نقل کرده و گفته است: «سید محمد نور، قیام، غیبت و ظهور مهدی، پسر امام یازدهم حسن عسکری، را که شعار تشیع است، عیناً می‌پذیرد».

گولپینارلی، در این فصل، آثار و تألیفات سید محمد نور را نیز برشمرده و از سلوک او و مناطق گسترش ملامتیّه و خلفای سید محمد نور سخن گفته است.

پس از سید محمد، دامادش، عبدالرحیم فدایی (افندی) (وفات: ۱۳۰۳) بر مسند ارشاد تکیه زد. دیگر مریدان او عبارت‌اند از، خواجه محمود افندی اسکویی، صالح رفعت، فایق محمد، حاجی سلیمان بیگ، حاجی عبدالقادر بیگ، شیخ کمال افندی، شیخ عبدالکریم روحی افندی، حاجی احمد بابا سیاح (ص ۳۴۳-۳۸۳). مؤلف از دیگر مریدان سید محمد یاد می‌کند ولی از سرگذشت نهایی این طریقت سخنی به میان نمی‌آورد. نقل نمونه‌هایی از سروده‌های ملامتیان و معرفی آثارشان و ذکر بخش‌هایی از آثار

آنان بر فواید کتاب افزوده است؛ به خصوص، از این رو که بسیاری از این مواد در دسترس نیست.

پایان‌بخش این اثر عکس‌هایی است از مقابر ملامتیان بایرامیه و نقشه‌هایی که سرزمین‌های نفوذ ملامتیه و گسترش این طریقت را نشان می‌دهد.

کتاب‌شناسی هر فصل در پایان همان فصل آمده و، در پایان، فهرستی از اعلام تاریخی و جغرافیایی و مآخذ درج شده است.

گولپینارلی کوشیده است به منابع لازمه این تحقیق هر چه بیشتر دست یابد و، چنان که مترجم محترم اشاره کرده، بسیاری از آنها متعلق به کتابخانه خصوصی خود مؤلف بوده که اکنون به کتابخانه موزه مولانا در قونیه اهدا شده است.

مترجم کتاب، آقای دکتر توفیق ه. سبحانی، تا کنون چندین اثر مؤلف را به فارسی ترجمه کرده، و با شیوه بیان و آثار او انس و الفت دارد. زبان ترجمه روان است. اشعار ترکی به زبان فارسی ترجمه و اصل آنها در پاورقی نقل شده است. در مجموع، این کتاب یکی از مهم‌ترین منابع تحقیق درباره ملامتیه و ملامتیان به شمار می‌رود.

منابع

ابن عربی، ابو عبدالله محیی‌الدین محمد، الفتوحات المکیه، بولاق، ۱۲۹۳ و چاپ دارصادر بیروت؛ پورجوادی، نصرالله، «منبعی کهن در باب ملامتیان نیشابور»، معارف، دوره پانزدهم، شماره ۱ و ۲، فروردین-آبان ۱۳۷۷، ص ۳-۵؛ جامی، عبدالرحمن، نفحات الانس، به کوشش محمود عابدی، تهران ۱۳۷۰؛ سلمی، ابو عبدالرحمن، «الملامتیه و الصوفیه و اهل الفتوة»، به کوشش ابوالعلاء عقیفی، (همراه با ترجمه مقدمه) ضمیمه مجموعه آثار ابو عبدالرحمن سلمی، به کوشش نصرالله پورجوادی، تهران ۱۳۷۲؛ سهروردی، شهاب‌الدین ابوحفص عمر، عوارف المعارف، ترجمه ابومنصور عبدالؤمن اصفهانی، به کوشش قاسم انصاری، تهران ۱۳۶۴؛ شعرانی، عبدالوهاب، الیواقیت و الجواهر فی بیان عقائد الاکابر، قاهره ۱۲۷۷؛ غزالی، احمد، سوانح، تصحیح نصرالله پورجوادی (بر اساس تصحیح هلموت ریتز)، تهران ۱۳۵۹؛ قشیری، ابوالقاسم، ترجمه رساله قشیریه، به کوشش بدیع‌الزمان فروزانفر، چاپ دوم، تهران ۱۳۶۱؛ کاشانی، عزالدین محمود، مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، به کوشش جلال‌الدین همایی، تهران ۱۳۷۲؛ گولپینارلی، عبدالباقی، ملامت و ملامتیان، ترجمه توفیق ه. سبحانی، تهران ۱۳۷۸؛ مقدسی، مطهر بن طاهر، آفرینش و تاریخ، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران ۱۳۷۴؛ هجویری، علی بن عثمان بن علی، کشف‌المحجوب، به کوشش و ژوکوفسکی، تهران ۱۳۷۱.

